

از ایران به ما می نویسند: به هیچ نوع توده ای ستیزی باج ندهید!

"ایران" آنگونه که امروز در برابر همه قرار دارد

۳۶ صفحه

توده

دوره دوم شماره ۶۲ مرداد ۱۳۶۱

"انتخابات" بدان گونه که برگزار شد، عدم جسارت حکومت برای تحمیل کاندیدای اصلح حکومتی و اعلام نتایج آراء مردم، همگی حاصل جنبش عمومی مردم، بغرنجی اوضاع و یک سلسله تضادهای بسیار جدی داخلی و خارجی بود! برخلاف این برداشت که "اختلاف جناح ها یک جنگ ززرکری است"، این اختلافات بسیارهم جدی است و جنبش مردم آنرا به حکومت تحمیل میکند! (ص ۱۷)

بحثی پیرامون انقلاب بهمن و مشی حزب توده ایران

(ص ۳)

نگاهی به مقاله "بیزادگرمی" در "کار"

شرطبندی انتخاباتی!

(ص ۷)

نگاهی به حوادث

ایران

* شایعه ترور خانمی؛

* استعفا فرمانده سپاه پاسداران؛

* تقسیم استان خراسان؛

* چرا روسای دو قوه قضائیه و مقننه باید بروند؟

(ص ۱۱)

پیرامون جامعه شناسی

(ص ۲۱)

گرایش به "چپ" در جهان

(ص ۳۶)

جنبش انقلابی مردم و جنجال مبارزه با "نوکیسه ها"!

جنجال نوینی، که بدنبال سخنرانی رهبر، ا. دراعتراف به فقر عمومی و غارتگری حاکم بر جامعه، اکنون پیرامون "دزدبگیری" و یا باصطلاح مبارزه با "طبقه نوکیسه" در جمهوری اسلامی راه افتاده، بدان امید است، که آبی بر آتش خشم مردم باشد و جانی هم در دل مردم، برای برپا کنندگان این جنجال باز کند! با همین امید است که شکست خوردگان و طردشدگان انتخابات اخیر ریاست جمهوری، که خود بزرگترین نقش را در غارتگری و یا حمایت از غارتگران داشته اند و بازار و فرهنگ بازاری را به جامعه تحمیل کردند، خود علنندار این جنجال شده اند. روزنامه "زسالت" پیشتر این جنجال است و از آن دو آتش تر، روزنامه کیهان عمل می کند. در این میان، به ناگهان "احمد نوکلی"، مدافع سرسخت خصوصی سازی و بردگی کارگران و آفانی غارتگران، که پس از گذراندن چند سال دوره تحصیلی در انگلستان به ایران بازگشته، راسا وارد میدان شده است!

در دوران شاه نیز هر چند گاه یکبار از این نوع جنجال ها، برای یک دوره عناوین مطبوعات را به خود اختصاص می داد و بعد هیچ!

در اینکه اعتراف به غارت کشور توسط دلال ها، واسطه ها، بازاری ها و دولت مردان جمهوری اسلامی، خود یک گام به پیش، برای تسلیم شدن به جنبش مردم است، تردید نیست، اما به همان میزان نیز شک نباید داشت، که جنبش عدالتخواهی و ضد غارتگری مردم ایران با این جنجال ها از مسیر خود منحرف نخواهد شد. در ایران، انتخابات اخیر را "قیام گریستان" نام داده اند و این نامی دور از واقعیت نیست!

مبارزه با پولدارها، یک جنجال عوامفریبانه است، و کیست که نداند، حتی براساس نتایج همین انتخابات اخیر نیز، مردم ایران عوام نیستند که بتوان فریشان داد. فقر عمومی و غارتگری مافیائی حاکم در ایران، حاصل آن برنامه ضد ملی است، که در سال ۶۷ تدارک آن دیده شد و از سال ۶۸ به اجرا گذاشته شد. این برنامه، که توسط صندوق بین المللی پول به ایران دیکته شد و در قبال آن میلیاردها دلار ایران به زیر بار پدھی خارجی رفت، "تعدیل اقتصادی" نام دارد، که در تمامی کشورهای امریکای لاتین، آسیا و آفریقا و روسیه به اسامی گوناگون به اجرا گذاشته شده است. حاصل این برنامه در تمامی این کشورها، همان است که امروز در ایران شاهد آن هستیم: فقر عمومی، غارتگری، رشد مافیای مالی-جنائی و حکومتی حامی این طیف و یا مرکب از رهبران این طیف! انکارناپذیر است که در تمامی این کشورها، اکنون جنبش عمومی مردم علیه این برنامه است. برنامه ای که جهان را حیات خلوت امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم امریکا می کند! ابزار اولیه تحمیل این برنامه به کشورها، سرکوب آزادی ها و دور ساختن مجریان حکومتی از نظارت افکار عمومی است. چنین حکومت هائی به بزرگترین زدوبندهای ضد ملی و علیه منافع کشورشان تن می دهند. بدین ترتیب است، که با اعتراف به واقعیات و سپس قوه قضائیه تحت سلطه غارتگران بازاری را به پیگیری حقوقی غارتگران فرا خواندن، در ساده ترین کلام، یعنی عوامفریبی! هر مقام و مرجعی که امروز بخواهد از جنجال آفرینی ها فاصله گرفته و در کنار جنبش عدالتخواهی، استقلال طلبی و آزادیخواهی مردم قرار گیرد، ابتدا باید سد راه آزادی ها نشود، تا آزادی عمومی، آزادی غارتگری و غارتگران را محدود سازد. در غیر اینصورت، درک عمومی همان است که امروز در برابر این جنجال جدید شاهدش هستیم: کوششی برای سوار شدن بر امواج نارضائی عمومی و به انحراف کشیدن جنبش مردم! و سرگرم ساختن آنها به "منقول" ها و نه "علت" ها! (صفحات ۲ و ۱۱ را بخوانید.)